معامله اروپایی در شرم‌الشیخ عربی

رویکرد
سیدرحیم نعمتی

۵۰ نفر از سران اتحادیه اروپا و برخی کشورهای عضو اتحادیه عرب روزهای یک‌شنبه و دوشنبه ۲۴ و ۲۵ فوریه در شهر بندری و توریستی شرم‌الشیخ مصر جمع شدند تا نخستین نشست اروپایی- عربی را برگزار کرده باشند. هر چند دیدار و گفت‌وگو بین دو طرف بی‌سابقه نیست و نمایندگانی از کشورهای اروپایی و حتی اتحادیه اروپا با طرف‌های عرب خود طی سال‌های گذشته دیدارهایی داشتند اما دیداری در این سطح تاکنون انجام نشده بود و صرف این اتفاق حکایت از نگاه جدید دو طرف به مسائل مشترک دارد. شاید به همین جهت باشد که آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان، در پایان نشست مدعی موفقیت‌آمیز بودن آن شد و در بیانیه پایانی هم از «عصر جدیدی از همکاری» میان مناطق هم‌جوار گفته شد. حالا قرار شده تا نشست‌هایی از این دست به طور مرتب و دوره‌ای برگزار شود و دست‌کم قرار است اجلاس بعدی سران دو اتحادیه اروپا و عرب سال ۲۰۲۲ و در بروکسل باشد. با وجود این دست خوش‌بینی و ادعا، نشانه‌هایی در این دو روز دیده شد که حکایت از مشکلات موجود در همکاری بین دو طرف دارند و به این دلیل هم به سختی می‌توان انتظار همکاری نزدیک بین دو طرف را داشت.

■ ورشو، مونیخ و شرم‌الشیخ

قبل از هر چیز، نشست شرم‌الشیخ را باید در مقایسه با دو نشستی سنجید که در روزهای قبل از این نشست برگزار شده بود. نشست اول با نام رسمی کنفرانس وزارتی برای ترویج آینده صلح و امنیت خاورمیانه بود که در روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه ۱۳ و ۱۴ فوریه و در شهر ورشو لهستان برگزار شد و نشست دوم کنفرانس سالانه امنیتی مونیخ بود که درست بعد از نشست ورشو و در روزهای جمعه و شنبه ۱۵ و ۱۶ فوریه برگزار شد. شاید نقطه مشترک هر سه کشور حضور برخی کشورهای عربی در هر سه نشست بود که برای همکاری با امریکا در نشست ورشو حاضر شده بودند و در نشست مونیخ سعی داشتند تا به نحوی جریان نشست ورشو را در این یکی هم ادامه بدهند و همین تلاش را در شرم‌الشیخ نیز داشتند. سردمدار این دست از کشورهای عربی عربستان و حکام آل‌سعود هستند که با حرارت تمام در هر دو نشست ورشو و مونیخ شرکت کرده بودند و برای شرم‌الشیخ هم پادشاه سالخورده خود را فرستاده بودند. سخنان ملک سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه آل‌سعود، در شرم‌الشیخ چیزی نبود جز همان حرف‌های تکراری که دیگر حکام آل‌سعود مدام طی این چند سال گفته‌اند و در نوشته پیش روی این پادشاه سالخورده هم گنجانده شده بود. «دخالت‌های ایران در منطقه»، «پشتیبانی ایران از شبه‌نظامیان حوثی در یمن و دیگر نیروهای شبه‌نظامی منطقه» و «پایان دادن به برنامه هسته‌ای و پروژه‌های موشک بالستیک ایران» از جمله سرفصل‌های این نوشته بود که ملک سلمان برای دیگران می‌خواند و معلوم بود که انتظار داشت نتیجه این نشست تأیید و اعلام این سرفصل‌ها باشد. در واقع، تیم سعودی به همراهی دیگر متحدان عرب خود تمام تلاش‌شان را برای گنجاندن این سرفصل‌ها در بیانیه پایانی کردند اما نه این شاه سالخورده و نه دیگران متوجه تفاوت‌های شرم‌الشیخ با ورشو و مونیخ نبودند. در حالی که امریکا اصل نشست ورشو را برای حمله همه‌جانبه به ایران طراحی کرده بود، نشست مونیخ مبدل به تقابل جبهه اروپایی با امریکا حول این محور بود تا آنجا که مایک پنس، معاون رئیس‌جمهور امریکا، در مونیخ شرکای اروپایی خود را متهم به همدستی با دشمن امریکا (ایران) کرد. در واقع، ملک سلمان و دیگر متحدان عربش باید از نشست مونیخ درس می‌گرفتند و می‌دانستند که نمی‌توانند شعارهای ورشو را در مقابل سران اتحادیه اروپا تکرار کنند و انتظار گنجاندن آن شعارها در بیانیه پایانی را داشته باشند.

■ اختلاف عربی

شاید نخستین چیزی که توجه تحلیل‌گران را نسبت به نشست شرم‌الشیخ به خود جلب کرد وضعیت هیئت‌های شرکت‌کننده عرب بود. این قابل انتظار بود که هیئت قطری در سطح پایینی به شرم‌الشیخ بیاید زیرا عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر، به عنوان میزبان دعوت‌نامه رسمی برای تمیم بن حمد بن خلیفه آل‌ثانی، امیر قطر، نفرستاده بود و به همین دلیل هم قطر به جای امیر، نماینده دائم خود در اتحادیه عرب را به شرم‌الشیخ فرستاد. آنچه انتظارش نمی‌رفت ترکیب هیئت اماراتی در شرم‌الشیخ بود. امارات به جای این که محمد بن راشد، امیر دبی و نخست‌وزیر امارات، یا محمد بن زاید، ولیعهد ابوظبی، را به شرم‌الشیخ بفرستد، محمد الشرقی، حاکم الفجیره، را فرستاد. این اقدام امارات از نگاه تحلیل‌گران مخفی نماند و از جهت اختلافات موجود بین امارات و مصر دیده شد. علاوه بر این دو مورد خاص، مقایسه بین سران اروپایی با عربی نشان از استقبال گرم اروپایی در مقابل بی‌توجهی یا کم‌توجهی طرف عربی به شرم‌الشیخ داشت. در حالی ۲۸ نفر از مقامات ارشد اروپایی شامل ۲۰ نخست‌وزیر و صدر اعظم‌های آلمان و اتریش و رئیس‌جمهور رومانی به شرم‌الشیخ آمده بودند، تنها ۱۲ مقام ارشد عربی در این نشست حاضر شدند و حتی ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن، هم حاضر نشده بود تا به شرم‌الشیخ بیاید. این سطح پایین استقبال از سوی کشورهای عربی به روشنی پرده از اختلافات بین این کشورها برمی‌دارد که البته چندان هم قدیمی نیست و باید گفت اتحادیه عرب همواره از این بابت رنج برده و به خاطر آن است که نتوانسته از زمان تأسیس در ۱۹۴۵ تاکنون نهاد بین‌المللی مؤثری حتی در امور کشورهای عربی باشد. یک دلیل برای عدم حضور برخی رهبران عربی شخص السیسی و موقعیت مصر است. به نظر می‌رسد السیسی بعد از سال‌های پرالتهاب مبارزه با مخالفانش چه در جبهه اخوان‌المسلمین و چه در جبهه گروه‌های تندرویی مثل امارت داعش در صحرای سینا، فرصتی پیدا کرده تا با میزبانی در شرم‌الشیخ دوباره مصر را نه تنها در جهان عرب بلکه به عنوان حلقه واسط بین این جهان و جهان اروپایی مطرح کند. می‌توان عدم حضور برخی از سران عربی مثل ملک عبدالله دوم را از این منظر دید که نخواستند با حضور در شرم‌الشیخ این موضع و سیاست السیسی را تقویت کرده باشند تا او بتواند به عنوان نماینده رهبران عرب با اروپایی‌ها صحبت کند.

■ معامله اروپایی

می‌توان گفت اروپایی‌ها تمام تلاش خود را کردند تا اختلاف نظرهای خود با جبهه عربی را به خصوص در زمینه حقوق بشر تا آنجا کم نشان بدهند که سایه‌ای بر نشست دو روزه نیندازد اما پاسخ صریح السیسی به اروپایی‌ها تمام معادلات آنها را به‌هم زد. کمتر از یک هفته قبل نشست شرم‌الشیخ بود که کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل از اعدام ۱۵ نفر در مصر انتقاد کرد که ۹ نفر آنها متهم به دست داشتن در ترور هشام برکات، دادستان سابق مصر، بودند. رابرت کولفیل، سخنگوی کمیساریای عالی حقوق بشر، آن موقع از نگرانی سازمانش نسبت به اقدامات قانونی و برگزاری محاکمه‌ای عادلانه در مصر گفته بود و با اشاره به گزارش سازمان ملل در ژوئن ۲۰۱۷، انگشت بر اعترافاتی گذاشته بود که تحت شکنجه به دست آمده است. این تنها مشکل در مصر نیست بلکه عمده کشورهای عربی نظیر عربستان یا امارات متحده عربی نیز مبتلا به این مشکل هستند به خصوص این که اعمال خلاف حقوق بشری این دو تنها محدود به داخل و نحوه برخورد آنها با مخالفان داخلی نیست بلکه گزارش‌های نهادهای حقوق بشری نشان می‌دهد این دو کشور در خارج نیز مرتکب چنین اعمالی می‌شوند که زندان‌های مخفی در یمن و شکنجه یمنی‌ها توسط این دو کشور تنها یک نمونه است. مرکل برای نادیده گرفتن این جرایم بود که گفت موضوع نمی‌تواند بر سر حقوق بشر بنابر مفهوم غربی آن باشد و موضوع را به سمت حفاظت از جان و زندگی انسان‌ها در لیبی منحرف کرد تا اعتراضی از سوی رهبران عربی نشنود. با وجود این، السیسی طاقت نیاورد و در نشست مطبوعاتی بعد اجلاس گفت: «ما به شما اجازه نمی‌دهیم در مسائل حقوق بشر به ما درس بدهید. شما ارزش‌ها و مقررات خودتان را دارید. ما به آنها احترام می‌گذاریم. ما هم ارزش‌ها و قواعد خودمان را داریم. شما هم باید به آنها احترام بگذارید.»

ایوان سرکوش، سفیر اتحادیه اروپا در قاهره، به ایندیپندنت عربی از این سه محور اصلی در نشست شرم‌الشیخ گفت: «۱- همکاری عربی- اروپایی در حوزه‌های تجارت، سرمایه‌گذاری، آموزش، همکاری اجتماعی و فناوری و توسعه‌ای، ۲- مسائل جهانی مثل تکثرگرایی، تغییرات آب و هوایی، برنامه توسعه ۲۰۳۰، مهاجرت، تروریسم و افراط‌گرایی، ۳- گفت‌وگو درباره مسائل منطقه‌ای مثل صلح خاورمیانه، فلسطین، سوریه، یمن و بحران لیبی.» روشن است که اروپایی‌ها از اول حقوق بشر، حقوق قضایی شهروندان یا آزادی‌های مدنی و سیاسی را در سرفصل این نشست قرار نداده بودند تا یا در محور اول با طرف عرب وارد معامله شوند یا در محورهای دوم و سوم خود از مشارکت و دلارهای نفت اعراب برای حل مشکلات خود استفاده کنند. مشکل کار اینجا است که اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو آن به سختی می‌توانند به اهداف خود در هر سه محور برسند. قبل از هر چیز، باید توجه کرد که کشورهای متمول عربی به طور عمده حوزه نفوذ امریکا هستند و اتحادیه به سختی می‌تواند در محور اول معامله‌ای قابل قبول با این کشورها داشته باشد. محورهای دوم و سوم یا چندان مورد توجه کشورهای عربی نیست یا حکام این کشورها در مواردی مثل تروریسم و افراط‌گرایی ریشه و منبع اصلی این مشکلات هستند و اروپایی‌ها نمی‌توانند در این موارد با آنها معامله‌ای بکنند. بنابر این، اروپایی‌ها با وجود چشم‌پوشی از جنایات حقوق بشری برخی از کشورهای عربی باز نمی‌توانند چندان امیدی به معامله قابل توجهی با این کشورها داشته باشند و چشم‌پوشی آنها تنها شرایط شهروندان عرب را سخت‌تر از گذشته می‌کند.

روز جهنمی ترامپ با افشاگری کوهن و شکست مذاکره با کره‌شمالی

رویکرد

جلسه استماع و شهادت شش ساعته «مایکل کوهن»، وکیل پیشین رئیس‌جمهور امریکا و به توافق نرسیدن مذاکرات با رهبر کره‌شمالی چهارشنبه و پنج‌شنبه را به دو روز جهنمی «دونالد ترامپ» تبدیل کرد.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا بامداد چهارشنبه به همراه تیم سیاسی و دیپلماتیک خود با کوله‌باری از امید (به اذعان وزیر خارجه‌اش) مسیر هوایی حدود ۱۴ هزار کیلومتری از واشنگتن به «هانوی» پایتخت ویتنام را طی کرد تا با «کیم جونگ اون» رهبر کره‌شمالی دیدار کرده و او را به برچیدن تمام برنامه هسته‌ای و خلع سلاح اتمی متقاعد کند. ترامپ ساعت ۱۵ با چهره‌ای بشاش و حالت روحی شاداب در هتل «متروپل» با کیم دیدار کرد. او به قدری ذوق‌زده و البته امیدوار به رسیدن به توافق با کیم بود که گفت: دیدار با رهبر کره‌شمالی برای او افتخار است! لحنی که کمتر از یک رئیس‌جمهور امریکا در برابر یکی از منزوی‌ترین کشورهای جهان به گوش رسیده است. او دیدار قبلی در سنگاپور را «بسیار موفق» توصیف کرده و درخواست‌های سپهر سیاسی و دیپلماتیک ایالات متحده برای سریع‌تر پیش رفتن روند مذاکرات و خلع سلاح اتمی کره‌شمالی را رد کرد. رئیس‌جمهور امریکا که در ابتدای مذاکره با کره شمالی خلع سلاح کامل اتمی پیونگ‌یانگ را هدف دولتش اعلام کرده بود، در روزهای گذشته گفت برای تحقق این هدف عجله‌ای ندارد و همین که کره‌شمالی آزمایش‌های موشکی و اتمی خود را متوقف کرده، مایه خرسندی امریکاست. رهبر کره‌شمالی هم در اظهاراتی به ترامپ اطمینان داد که نشست در هانوی، به نتیجه منتهی خواهد شد و اینکه آماده است تا توافق خلع سلاح اتمی را امضا کند. ترامپ دیدار اول با کیم را انجام داده و در حالتی صمیمانه بر سر میز شام نشستند. در همان زمان که ترامپ با کیم مشغول صرف میگو و کیمچی بودند، وکیل پیشین وی در کمیته نظارت مجلس نمایندگان امریکا حاضر شد تا اسرار مگویی را درباره ترامپ افشا کند. مایکل کوهن که از شاهدان کلیدی پرونده دخالت ادعایی دولت‌های خارجی در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ امریکاست، هم‌اکنون از سوی اداره فدرال تحقیقات ایالات متحده (اف.بی.آی) تحت بازجویی قرار دارد و البته به جرم شهادت دروغ و فریبکاری قرار است تا دو ماه دیگر به زندان برود.

■ کوهن و بیانیه ۲۰ صفحه‌ای در مجلس نمایندگان

کوهن در این جلسه استماع، جزئیات بکری را از روابط پنهانی ترامپ، از جمله نقش او در انتشار ایمیل‌های «هیلاری کلینتون»، نامزد وقت دموکرات‌ها و همچنین باج‌دهی او به یک بازیگر فیلم‌های مستهجن، به نمایندگان مجلس امریکا ارائه داد. وی در بخشی از این بیانیه ۲۰ صفحه‌ای ترامپ را فردی «نژادپرست»، «دروغگو»، و «متقلب» خواند و گفت او بارها کشورهای فقیر را «آشغالدانی» یا سیاهپوستان را «احمق» خطاب کرده است. وی در این جلسه شش ساعته، نهایتاً از یک دهه همکاری و وکالت برای ترامپ ابراز پشیمانی کرده و گفت: «وفاداری‌ام به ترامپ همه چیز را از من گرفت: شادی خانواده‌ام، دوستانم، مدرک حقوقم، سرزندگی‌ام، شرکتم، اعتبارم و به زودی آزادی‌ام.» ترامپ که به اذعان خودش ساعات بسیار سختی را با صحبت‌های کوهن گذراند، شب بعد از شام با کیم را بدون انرژی صبح دیروز طی کرد. پس‌لرزه‌های اظهارات کوهن از همان دقایق اولیه شروع به خودنمایی کرد، به‌گونه‌ای که شبکه «ان‌بی‌سی» به نقل از مقام‌های کنونی و سابق دولت امریکا درباره نشست ترامپ و کیم گزارش داد واشنگتن از درخواست اطلاع از تمام ابعاد و جنبه‌های برنامه‌های اتمی و موشکی کره‌شمالی عقب‌نشینی کرده، زیرا سرویس‌های اطلاعاتی این کشور ارزیابی کرده‌اند که پیونگ‌یانگ قصد ندارد تمام تسلیحات اتمی خود را کنار بگذارد. ترامپ اما صبح پنج‌شنبه سعی کرد خود را بسیار آرام و البته سر حال نشان دهد، گویی شب گذشته کوهنی در کار نبوده که بخواهد صدر تا ذیل کمپین رئیس‌جمهور شدن او را زیر سؤال ببرد. وی در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با کیم، پیش از دیدار دوم، با بیان اینکه می‌خواهد به بهترین توافق با کره‌شمالی برسد، افزود: «من بارها از ابتدا گفته‌ام، سرعت (خلع سلاح اتمی) برای من مهم نیست. من از اینکه دیگر راکت، موشک یا هر چیز اتمی آزمایش نشود، بسیار قدردانی می‌کنم. رئیس کیم و من می‌خواهیم معامله درست را انجام دهیم.» رهبر کره‌شمالی اما این‌بار در اظهاراتی که لحنی کمتر مثبت در مقایسه با صحبت‌های روز قبلش داشت، در پاسخ به سؤال خبرنگاری درباره اینکه آیا به وجود توافق درست با امریکا اعتقادی دارد یا نه، توضیح داد: «هنوز زود است که بخواهیم قضاوت کنیم ولی نمی‌گویم که بدبین هستم. از حسی که اکنون دارم می‌توانم بگویم که احتمالاً (دیدار ما) برون‌داد خوبی خواهد داشت.»

■ چهره‌های گرفته ترامپ و پمپئو

شاید همین صحبت‌های کیم بود که ترامپ را مجدداً به رسیدن به توافق امیدوار کرد، اما دقایقی بعد از شروع دیدار دوم بود که «سارا سندرز»، سخنگوی کاخ سفید در جمع خبرنگاران حاضر شد و از تغییر غیرمنتظره در برنامه نشست، لغو ناهار کاری ترامپ و کیم، پایان زودتر از موعد دیدار دوم و اینکه امضای توافق در هاله‌ای از ابهام فرورفته، خبر داد. حدود نیم ساعت بعد، ترامپ و کیم در کاروان‌های جداگانه بدون هیچ صحبتی با خبرنگاران، محل نشست را ترک کرده و این بار سندرز در بیانیه‌ای رسمی گفت که نشست دو روزه ویتنام بدون هیچ توافقی به پایان رسید. نشستی که دولت امریکا طی چند هفته گذشته شدیداً درباره آن تبلیغات کرده و این گونه در اذهان عمومی جاانداخته بود که با توافق برچینش اتمی کره‌شمالی به واشنگتن برمی‌گردند. ترامپ همچنین دو ساعت زودتر کنفرانس مطبوعاتی بعد از دیدار با کیم را برگزار کرد اما این‌بار با چهره‌ای گرفته مقابل دوربین رسانه‌ها حاضر شد. وی گفت گزینه‌هایی روی میز بود و با وجود اینکه کره‌شمالی خواستار برداشتن گام‌های در روند خلع سلاح بود، اما به دلیل اینکه کیم می‌خواست تمام تحریم‌ها لغو شود، تصمیم گرفته که متن توافقنامه را امضا نکند. «مایک پمپئو»، وزیر خارجه امریکا نیز که همراه ترامپ بود با چهره‌ای مغموم دو بار پشت تریبون قرار گرفت و سه بار تأکید کرد که قویاً امیدوار بود تا از این نشست دست پر بیرون بیایند. در هر حال به‌نظر می‌رسد رهبر کره‌شمالی به‌رغم سن پایین و چهره ناپخته‌ای که دارد اما چندان هم بی‌تجربه نیست و نه تنها قصد ندارد در برابر فشارهای امریکا تسلیم شود، بلکه مترصد فرصتی است (مانند افشاگری بی‌سابقه کوهن علیه ترامپ) تا بتواند از آن به عنوان سدی در برابر زیاده‌خواهی کاخ سفید استفاده کند.

منبع: خبرگزاری فارس

فرصت‌های ایران در سوریه

دورنما
سجاد مرادی کلارده

سفر بشار اسد رئیس جمهور سوریه و دیدار وی با رهبر معظم انقلاب، بیش از پیش اتحاد دو کشور را پس از حدود هشت سال بحران در این کشور نشان داد. به نظر می‌رسد این سفر در شرایطی که اغلب مناطق سوریه از دست گروه‌های تروریستی آزاد شده و دولت‌های مختلف از جمله همسایگان سعی در از سرگیری روابط با دمشق دارند، نشانه دور تازه‌ای از روابط دو کشور است. روابط ایران و سوریه طی این سال‌ها به گونه‌ای بوده که رهبری انقلاب در بیانات خود، سوریه را عمق راهبردی ایران ارزیابی کردند. به همین ترتیب دو کشور طی سالیان اخیر تهدیدات مختلفی همچون افراط‌گرایی، تروریسم و طرح‌های مختلف غربی و عربی را از سر گذرانده‌اند. اکنون که وضعیت دولت مستقر در سوریه بهبود یافته، حاکمیت گروه‌های تروریستی به پایان رسیده و بیشتر قلمرو ارضی این کشور نیز آزاد شده است، سیاست خارجی مجال بیشتری برای بروز و ظهور در روابط طرفین دارد. در همین چارچوب به نظر می‌رسد سوریه در شرایط کنونی با پشت سر گذاشتن مرحله بحرانی، واجد فرصت‌هایی برای سیاست خارجی ایران است. فرصت‌های ایران در سوریه در انواع سیاسی-امنیتی، اقتصادی و فرهنگی دسته‌بندی می‌شود. یکی از مهم‌ترین فرصت‌های ایران در حوزه سیاسی را گفتمان‌سازی در سطوح داخلی و بهره‌گیری از آن در سطح منطقه تشکیل می‌دهد که در عین حال به بالا بردن توان دیپلماتیک ایران در سطح منطقه نیز کمک شایانی می‌کند. سیاست خارجی ایران در سوریه نیز همانند عراق می‌تواند به سوی ایجاد پیوندهای ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک و در نتیجه برقراری نوعی اتصال استراتژیک حرکت کند. این منطق که در بیش از یک دهه گذشته تاکنون در محافل علمی مطرح است، به این واقعیت اساسی برمی‌گردد که بازی قدرت در خاورمیانه صرفاً بر اساس ایدئولوژی شکل نمی‌گیرد و آنچه در این بین دارای اهمیت است، تثبیت حوزه‌های نفوذ و نقش‌های کشورها است. درجات نقش منطقه‌ای ایران نیز به میزان اتصال استراتژیک و هدایت روابط با گروه‌های سیاسی متحد برای تثبیت جایگاه این گروه‌ها بستگی دارد.

کنش عمل‌گرایانه در ساماندهی آینده سیاسی و گذار به دموکراسی نیز فرصت دیگر سیاسی ایران است. همانند نقش‌های حمایتی ایران از روند سیاسی افغانستان و نیز انتقال دموکراتیک قدرت در عراق، حمایت‌های ایران از حقوق مردم سوریه که همواره نیز مورد تأکید بوده است، در این زمینه جای دارد. با وجود اهمیت بی‌بدیل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک سوریه برای ایران، اما تهران هیچ‌گاه از راه‌حل‌های نظامی و دخالت کشورهای منطقه‌ای و غربی در سوریه حمایت نکرده؛ بلکه تنها یک راه برای حل این بحران متصور است و آن نیز راهکار سیاسی با تأکید بر نقش محوری مردم سوریه است. به همین دلیل است که تهران در عین حمایت از دولت بشار اسد و محکومیت دخالت‌های خارجی، همواره بر ضرورت گفت‌وگوهای ملی بین دولت و مخالفان و اصلاحات دموکراتیک نیز تأکید داشته است. چنین رویکردی از سوی ایران سه مزیت اصلی دارد: ۱- از آنجا که وجود بسترهای اقتدارگرایانه در خاورمیانه از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری گروه‌های تروریستی است، روندهای دموکراتیک می‌تواند به کاهش این تهدید منجر شود. ۲- شکل‌گیری روندهای مبتنی بر دموکراسی در سوریه، تأثیرپذیری از کشورهای عربی خلیج فارس و ارتجاع منطقه‌ای را کاهش می‌دهد. ۳- ایجاد فرآیندهای دموکراتیک و حفظ حقوق اقلیت‌ها، روند دولت‌های قومیتی و شکننده که همواره به عنوان معضلی در محیط امنیت منطقه‌ای ایران مطرح بوده‌اند را به نحو چشم‌گیری کاهش می‌دهد.

علاوه بر فرصت‌های سیاسی، فرصت‌های اقتصادی به ویژه در زمینه بازسازی مناطق مختلف این کشور نیز مطرح است که محور اصلی در آنها می‌تواند بر مبنای گسترش زمینه‌های فرصت‌سازی اقتصادی برای رفع تهدیدات سیاسی- امنیتی از طریق ایجاد وابستگی متقابل بین ظرفیت‌های اقتصادی باشد. در این راستا، ایجاد حلقه‌ها و اتصالات استراتژیک سرزمینی و زیرساخت‌های حمل و نقل و ارتباطی دو طرف، مشارکت شرکت‌های خصوصی و بازرگانان ایرانی و از این طریق گسترش تعاملات اقتصادی می‌تواند در دستور کار قرار گیرد. در مناطقی که طی این سال‌ها در تصرف گروه‌های افراطی بوده است، تقریباً تمام زیرساخت‌ها از قبیل شرکت‌های تولید و انتقال انرژی، شبکه‌های حمل و نقل جاده‌ای و ریلی، شبکه‌های انتقال منابع آبی، پالایشگاه‌ها، کارخانه‌های مواد غذایی و... به طور کلی یا جزئی نابود شده‌اند؛ این موضوع از رقم بیش از ۹۰۰ میلیارد دلاری که برای بازسازی سوریه مطرح شده، قابل تشخیص است. در این چارچوب باید بستری فراهم شود که بخش‌های مختلف اقتصاد سوریه همانند گذشته از توانمندی‌های ایرانی در زمینه‌های تولید خودرو، کارخانه سیمان، نیروگاه برق، آبرسانی، سد، تونل و... استفاده کند؛ لازمه تحقق این امر در طرف ایرانی ایجاد تحرک لازم به ویژه در حوزه دیپلماسی اقتصادی است.

رویکردهای ایران در سوریه و به طور کلی بحران‌های امنیتی که خاورمیانه طی بیش از یک دهه با آن مواجه است، واجد فرصت‌های فرهنگی نیز می‌باشد. یکی از این موارد، فرصت کار کردن با تمامی گروه‌های فرهنگی و قومی است. یکی از مهم‌ترین معضلات موجود در منطقه این است که بازیگران مختلف در کشورهای مختلف به دنبال کار کردن با گروه‌هایی هستند که از لحاظ ایدئولوژیک و... نوعی همسانی بین آنها برقرار است. به همین ترتیب بازیگران قدرتمندی چون ایران که سال‌هاست برای تثبیت حوزه‌های نفوذ خود فعالیت می‌کنند، باید با همه گروه‌های موجود در قلمرو سرزمینی دولت‌های هدف تعامل برقرار کنند. بنابراین آنچه ایران باید مدنظر قرار دهد، این است که تحقق منافع ملی این کشور مبتنی بر کار کردن با تمامی گروه‌های فرهنگی و قومی در جوامع هدف مانند سوریه است. در عین حال تاکنون نیز برخلاف آنچه دشمنان ایران می‌پندارند و مرکزیت غیرقابل انکار ایران در خاورمیانه را ناشی از علقه‌های شیعی و ژئوپلیتیک نادر آن می‌دانند، اما باید گفت نفوذ ایران نفوذی گفتمانی و متفاوت با سلطه‌طلبی غربی است که از سه خاستگاه فرهنگ ایرانی، فرهنگ سیاسی مردم‌سالار ایرانی و گفتمان استکبارستیزی ناشی از انقلاب اسلامی سرچشمه می‌گیرد.

فرصت دیگر فرهنگی ایران در این چارچوب، ترویج گفتمان اسلام اعتدالی است. در شرایطی که گروه‌های تروریستی نظیر داعش با به نمایش گذاشتن چهره‌ای خشن از اسلام، وجهه این دین را در بین سایر ادیان مخدوش کرده‌اند، این امر فرصتی را برای سیاست خارجی ایران فراهم می‌کند تا با تقویت ابعاد دیپلماسی فرهنگی، زمینه گسترش تعالیم روح‌بخش مذهب اهل بیت(ع) که به واقع به دور از هر گونه خشونت و افراط‌گرایی است را فراهم کند. به طور مستقیم سیاست خارجی ایران نیز می‌تواند در راه خنثی‌سازی اندیشه‌های رادیکال، به کار کردن بر روی جریان‌های میانه‌رو در جهان اسلام با تأکید بر فقه حنفی بپردازد. در مجموع باید گفت سوریه در شرایط کنونی مبتنی بر دلایل فوق عرصه مناسبی برای سیاست خارجی ایران است و به ویژه انتظار می‌رود پس از این سفر اسد و با توجه به شرایط ژئوپلیتیک داخلی دمشق، به مرور روابط دوجانبه و دیپلماتیک بین دو کشور به دوره قبل از بحران بازگردد.

> **در شرایطی که گروه‌های تروریستی با به نمایش گذاشتن چهره‌ای خشن از اسلام، وجهه این دین را در بین سایر ادیان مخدوش کرده‌اند، این امر فرصتی را برای سیاست خارجی ایران فراهم می‌کند تا با تقویت ابعاد دیپلماسی فرهنگی، زمینه گسترش تعالیم روح‌بخش مذهب اهل بیت(ع) که به واقع به دور از هر گونه خشونت و افراط‌گرایی است را فراهم کند**